

گرانی بنزین، حکومت اسلامی و خشم مردم

کاظم نیکخواه، صفحه ۲



لغو مجازات اعدام در لبنان، ضربه دیگری به جمهوری اسلامی - حمید تقوایی

حمید تقوایی، صفحه ۳

اعلان اجرایی ستم سرمایه‌داری کجا درس خوانده‌اند؟ یاشار سهندی

یاشار سهندی، صفحه ۵

تداوم کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"، خطر اعدام ۶۰ نفر از معترضین، تجمع پرستاران

بیمارستان حکیم نیشابور صفحه ۷

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و ادامه اعتراضات بازنشستگان صنایع فولاد در اصفهان

صفحه ۸

تجمع اهالی روستای کمره بالا در اسلام آباد، کارگران شهرداری ماهشهر و اخباری دیگر صفحه ۸

ادامه تجمعات بازنشستگان فولاد، بازداشت مجدد یاسر احمدی نژاد کارگر نفت صفحه ۹

تجمعات بازنشستگان، خانواده‌های بیماران فیروز، پلاستیک خزر و احضار معترضین علیه اعدام

صفحه ۱۰

اولتیماتوم زندانیان قزلحصار به اعتصاب در اعتراض به طرح انتقال دویست زندانی سالن ۴ در

واحد ۲ این زندان صفحه ۱۱

مدیای اجتماعی

سندیکای شرکت واحد: اعدام‌ها را متوقف کنید!، صفحه ۷

نه به، زندگی معمولی؛ آری به زندگی شایسته انسانی. صفحه ۱۱

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران در محکومیت تشدید فشار بر فعالان صنفی معلمان، صفحه ۱۲

کودکان و نوجوانان محکوم به اعدام، در معرض اعدام و اعدام شده در ایران، صفحه ۱۳

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۴۹

۲۶ مرداد ۱۴۰۵

۱۷ اوت ۲۰۲۶



دوشنبه ها منتشر میشود

نه گرانی و نه خود جمهوری

اسلامی طبیعی نیستند

مهران محبی، صفحه ۴

تجمعات اعتراضی

بازنشستگان مخابرات،

کارکنان بهداشت تهران و

اخباری دیگر

صفحه ۹

مدیای اجتماعی

یاسر احمدی نژاد دوباره

بازداشت شد

صفحه ۱۴

لغو مجازات اعدام در

لبنان، درخشش بارقه امید

پیروزی #نه_به_اعدام در

ایران

صفحه ۱۴



گرانی بنزین، حکومت اسلامی و خشم مردم کاظم نیکخواه

مسئله بنزین در ایران دیگر فقط یک مسئله اقتصادی نیست؛ به یکی از حساس‌ترین نقاط برخورد میان حکومت و جامعه تبدیل شده است. هر بار که بحث افزایش قیمت بنزین مطرح می‌شود، پشت آن پرسش بزرگ‌تری قرار دارد: هزینه بحران‌های اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی را چه کسی باید بپردازد؟

طرح آزمایشی عرضه بنزین با نرخ ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان در جایگاه‌های استان کرمان در روزهای اخیر، نمونه روشنی از واقعیت جمهوری اسلامی و وحشت حکومت از انفجار بنزین مردم است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، در این طرح برای هر خودرو سهمیه‌هایی با نرخ‌های ۱۵۰۰، ۳۰۰۰ و ۵۰۰۰ تومان در نظر گرفته شده بود و بنزین مازاد با نرخ بسیار بالاتر عرضه می‌شد. واکنش فوری مردم و توقف طرح، نشان داد که حتی خود حکومت نیز می‌داند افزایش شدید قیمت بنزین می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای داشته باشد.

بنزین؛ یک قیمت و یک جامعه

در ایران بنزین فقط سوخت خودرو نیست. قیمت بنزین مستقیماً یا غیرمستقیم بر هزینه حمل‌ونقل، تولید، مواد غذایی، خدمات و زندگی روزمره میلیون‌ها نفر تأثیر می‌گذارد. بنابراین افزایش شدید قیمت آن می‌تواند موج جدیدی از افزایش قیمت‌ها را به دنبال داشته باشد؛ به‌ویژه در شرایط اقتصادی نوید کننده‌ای که قدرت خرید بخش بزرگی از مردم طی سال‌های گذشته به‌شدت کاهش یافته و مدام در حال سقوط است.

از همین رو حکومت در برابر یک تناقض جدی قرار دارد: از یک سو به منابع مالی بسیار عظیمی برای تأمین هزینه‌های نجومی دستگاه سرکوب و نظامی و جنگی و حوزه‌های خرافه پرانی و هزاران دستگاه دیگر، نیاز حیاتی دارد، و از سوی دیگر می‌داند که انتقال مستقیم این هزینه به مردم فی‌الحال خشم و نارضایتی اجتماعی‌ای را که به لبه انفجار رسیده، تشدید میکند.

این نگرانی بی‌سابقه نیست. تجربه افزایش قیمت بنزین در آبان ۱۳۹۸ نشان داد که مسئله سوخت در ایران می‌تواند در مدت کوتاهی از یک تصمیم اقتصادی به یک انفجار سیاسی و اجتماعی تبدیل شود.

در چنین شرایطی اظهارات مسعود پزشکیان درباره افزایش قیمت‌ها نیز اهمیت پیدا می‌کند. او در توضیح گرانی‌ها به عواملی مانند دشواری انتقال کالا، کاهش درآمدهای نفتی و مشکلات تولید و مالیات اشاره کرده است و می‌گوید افزایش قیمت‌ها طبیعی است! آری در جمهوری اسلامی اینها طبیعی است. طبعاً جنگ و جنگ افروزیها، تحریم‌ها، محدودیت‌های فروش نفت، مشکلات بانکی، کاهش سرمایه‌گذاری و ناکارآمدی‌های ساختاری واقعاً هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد این کشور تحمیل کرده‌اند.

اما پرسش اصلی مردم چیز دیگری است: این هزینه‌ها از کجا آمده است؟ مگر از خود حکومت اسلامی و ساختار و هویتش سر برنیآورده است؟ و سوال اصلی تر اینست که چرا باید هزینه این بحران‌ها از جیب کارگران و مردم پرداخت شود؟ این پرسش زمانی جدی‌تر می‌شود که مردم همزمان با تورم، کاهش قدرت خرید و افزایش هزینه‌های زندگی، شاهد ادامه هزینه‌های سنگین حکومت در حوزه‌های نظامی، امنیتی و سیاسی باشند. در چنین شرایطی، دعوت مردم به "تحمل گرانی"، توسط پزشکیان بی‌نهایت انزجار آور است.

مسئله فقط کمبود پول نیست

حکومت جمهوری اسلامی معمولاً مشکلات اقتصادی را با مجموعه‌ای از

عوامل بیرونی توضیح می‌دهد: تحریم، کاهش صادرات نفت، فشارهای خارجی، مشکلات انتقال پول و جنگ اقتصادی. همه این عوامل واقعی است، اما اولاً اینها عوامل بیرونی نیستند و ثانياً یک عامل دیگر را هم باید به آن اضافه کرد: چپاول نجومی باندهای مافیایی حاکم! این چپاولها و ثروت اندوزی‌های سران و دست اندرکاران و وابستگان ریز و درشت حکومت سر به آسمان می‌زنند. در این مملکت فقط یک بابک زنجانی وجود ندارد. هزاران بابک زنجانی از قبل دزدیهای نجومی به دلار میلیاردر شده‌اند و در گوشه و کنار جهان دارند ثروت اندوزی میکنند. به عبارت دیگر توضیح تمام بحران اقتصادی کشور با این عوامل، مسئله مهمتری را پنهان می‌کند: اقتصاد ایران تنها با مشکل کمبود درآمد روبه‌رو نیست؛ مشکل اصلی نحوه هزینه کردن منابع، فساد، رانت، انحصار، ناکارآمدی، بی‌ثباتی سیاست‌گذاری و نبود شفافیت است. که اینهم بخشی از هویت حکومت اسلامی در کنار هویت سیاسی آنست که عامل تحریمها و انزوای اقتصادی و امثال اینهاست.

بنابراین روشن است که وقتی حکومت از مردم می‌خواهد هزینه بیشتری برای بنزین، کالا و خدمات بپردازند، تنها و تنها با خشم و انزجار مردم پاسخ بگیرد. طبیعی است که مردم از پزشک‌ها و دیگر دست اندرکاران حاکم می‌پرسند اول توضیح دهید همین منابع محدود و موجود کشور چگونه خرج می‌شود و چرا راه حل‌ها همیشه از جیب شهروندان عبور می‌کند.

حکومت میان درآمد و انفجار اجتماعی

جمهوری اسلامی اکنون با یک انتخاب دشوار روبه‌رو است. اقتصاد و کلاً ادامه کارکرد این حکومت به منابع مالی بسیار عظیمتری نیاز دارد. اما با یک اقتصاد به بن بست رسیده و فلج، و مافیای چپاولگری که اجازه نمیدهد دست به دزدیهای زده شود، کاری نمیتوان کرد جز افزایش قیمت‌ها یعنی منتقل کردن فشارها به کارگران و مردم فقیر. اما برای مردمی که تهیه نان و غذای ساده نیز به مشقت تبدیل شده، افزایش قیمت یعنی نابودی همین زندگی! و در نتیجه افزایش قیمت هیچ راه دیگری جز به خیابان آمدن و فریاد زدن و دست به شورش و انقلاب زدن باقی نمیگذارد. جمهوری اسلامی از یک سو نمی‌تواند به‌سادگی از افزایش درآمدهای خود صرف‌نظر کند و از سوی دیگر از پیامدهای اجتماعی آن وحشت دارد.

توقف سریع طرح بنزین در کرمان، همین ترس و وحشت و بن بست حکومت را بروشنی نشان می‌دهد: حکومت می‌داند که جامعه دیگر ظرفیت تحمل فشار اقتصادی را ندارد.

مردم همه جا و بیش از گذشته درباره این صحبت می‌کنند که چرا باید هزینه سیاست‌هایی را بپردازند که در تعیین آنها نقشی نداشته‌اند. این شکاف میان حکومت و جامعه، مسئله‌ای عمیق‌تر از یک تصمیم اقتصادی است.

ما هزینه سرپا ماندن دشمنانمان را نمی‌پردازیم!

بطور خلاصه افزایش قیمت‌ها یعنی تحمیل هزینه‌ها به مردم، تشدید جنگ یعنی افزایش فشارها به مردم، دزدیها و چپاولها یعنی بالا کشیدن از سفره مردم. بیشترین فشار در این میان به کارگران و پرستاران و کارکنان ادارات و بازنشستگان و بخشهای

لغو مجازات اعدام در لبنان، ضربه دیگری به جمهوری اسلامی - حمید تقوایی



گرفته است. در این شرایط نیروی فوق ارتجاعی که بوسیله جمهوری اسلامی پایه گذاری شد و مدتها عملاً بعنوان دولت در دولت در لبنان یکه تازی میکرد، در وضعیتی که بدنبال ترور حسن نصرالله و کلا ضرباتی که نیروهای اسلامی بعد از حمله هفت اکتبر متحمل شدند موقعیت

خود را از دست داده است، مذبوحانه تلاش میکند تا نه تنها آخرین نشانه های موازین و قوانین اسلامی بر فضای سیاسی لبنان را حفظ کند، بلکه خدمتی هم به رژیم رکورددار اعدام در ایران کرده باشد.

بر همه روشن است که بقای جمهوری اسلامی به اعدام وابسته است. بی تردید قطع طناب دار بیش از هر عامل دیگری گلوئی حکومت جلاخان اسلامی را خواهد فشرد و آنرا در آستانه سقوط قرار خواهد داد. ازینرو مبارزه علیه اعدام در ایران، در مضمون سیاسی و در معنی عملی خود، عرصه تعیین کننده ای در مبارزه برای سرنوشت جمهوری اسلامی و جمع کردن کل بساط جنایت و کشتار نیروهای اسلامی در منطقه و در کل جهان است. جنبش علیه اعدام که ابعاد گسترده ای در ایران یافته است در محور این مبارزه قرار دارد. این جنبش باید از لغو این مجازات در لبنان استقبال کند، در بیانیه ها و طومارها و فراخوانها و کارزارهای خود این پیشروی را برجسته کند و بزرگ بدارد و آنرا بعنوان اهرمی علیه رژیم رکورددار اعدام در ایران بکار گیرد. هر گام پیشروی جنبش علیه اعدام گام تعیین کننده ای به پیش علیه جمهوری اسلامی و علیه کل جنبش ضد انسانی اسلام سیاسی در منطقه و در سراسر جهان خواهد بود. (۲۱ مرداد ۱۴۰۵، ۱۲ اوت ۲۰۲۶)

پارلمان لبنان روز سه شنبه ۱۲ اوت، ۱۹ مرداد، مجازات اعدام را لغو کرد.

بیست و دو سال است که در لبنان کسی اعدام نشده است اما لغو رسمی این مجازات ضد انسانی در پارلمان آن کشور آنرا به اولین کشور عربی که رسماً اعدام را ممنوع کرده است تبدیل میکند. این امر علاوه بر اهمیت جهانی اش برای مخالفین مجازات اعدام و کل مردم ایران اهمیت انسانی-سیاسی تعیین کننده ای دارد. بخصوص مخالفت ناکام حزب الله با لغو مجازات اعدام این امر را مستقیماً به شرایط سیاسی در ایران مربوط میکند.

جمهوری اسلامی رژیم رکورددار اعدام در سطح دنیا و رژیمی است که حتی اعتراض به اعدام را جرم اعلام کرده است. در مقابل چنین حکومتی فعالترین و گسترده ترین جنبش، حتی در درون زندانهای ایران، علیه احکام اعدام و علیه نفس مجازات اعدام شکل گرفته است.

ازینرو مخالفت حزب الله با لغو اعدام، علاوه بر جایگاه ایدئولوژیک و بنیادی آن برای نیروهای اسلامی، در واقع نوعی تلاش سیاسی برای حفظ سنگر در حال ریزش اعدام در جمهوری اسلامی نیز هست.

از نظر بنیادی و مکتبی اعدام با جنبش اسلامی درهم تنیده شده است و در همه اشکال، از بدار کشیدن تا تیرباران و سنگسار و پرتاب از بلندی و اعدام پنهان در زندانها، یک رکن مهم جنبش اسلام سیاسی، از جمهوری اسلامی تا داعش و طالبان و غیره بشمار میرود.

از نظر سیاسی نیز بویژه در شرایط حاضر حفظ سنگر اعدام برای اسلاميون اهمیت ویژه ای دارد. اعدام در لبنان لغو شده و در ایران زیر فشار یک جنبش گسترده قرار دارد تا جایی که حتی در میان صفوف حکومتی ها شکوه و شکایت از اعدامهای "بی رویه" بالا

جمهوری اسلامی نمی تواند جلوی زندگی را بگیرد!

در یکی دو ماه گذشته، خیابانها و فضاهای عمومی شهرهای مختلف ایران شاهد حضور و تحرک تازه ای از سوی جوانان بوده اند؛ از دوره می ها و ورزش های جمعی و مختلط تا اسکیت سواری، موتورسواری زنان، موسیقی، رقص و شادی.

اینها فقط تفریح نیستند. مردم، به ویژه جوانان، دارند زندگی را پس می گیرند. زنان بدون حجاب اجباری در این برنامه ها حضور دارند، زنان و مردان در کنار هم ورزش و شادی می کنند و نسل جوان عملاً اعلام می کند: ما خودمان انتخاب می کنیم چگونه لباس بپوشیم، چگونه زندگی کنیم و چگونه شادی کنیم.

موتورسواری زنان نمونه روشنی از این تغییر است. چیزی که تا چند سال پیش از نظر حکومت یک «ناهنجاری» محسوب می شد، امروز به پدیده ای رو به گسترش تبدیل شده و مطالبه گواهینامه موتور برای زنان به یک خواست عمومی تر بدل شده است. جامعه حکومت را عقب زده است.

جمهوری اسلامی می خواهد جامعه را در فضای ترس، مرگ و عزاداری نگه دارد، اما مردم با زندگی کردن، شادی کردن و پس گرفتن فضای عمومی، تصویر دیگری از ایران به نمایش می گذارند؛ ایرانی آزاد، شاد و انسانی.

این هم مبارزه است؛ مبارزه ای که همیشه با شعار سیاسی همراه نیست، اما در عمق خود مبارزه برای آزادی و پس گرفتن حق مردم در تعیین شیوه زندگی شان از جمهوری اسلامی است. هر دوره می، هر ورزش جمعی، هر زن موتورسوار و هر حضور آزادانه در فضای عمومی، بخشی از زنجیره ای است که نیروی فردی را به نیروی جمعی تبدیل می کند. جمهوری اسلامی می تواند سرکوب و محدودیت ایجاد کند، اما نمی تواند جلوی زندگی را بگیرد. زندگی و آزادی را پس می گیریم.

از صفحه ۲

گرانی بنزین، حکومت اسلامی و ...

کارکن و کم در آمد مردم وارد می شود. اینها را همه مردم بروشنی میدانند. در چنین شرایطی، افزایش قیمت بنزین می تواند آخرین حلقه از زنجیره ای باشد که از پیش، زندگی مردم را تحت فشار قرار داده است.

بنزین در اینجا تنها یک کالا نیست؛ نماد رابطه حکومت با مردم است. حکومتی که برای تأمین منابع مالی به افزایش قیمت ها روی می آورد، اما همزمان بودجه حوزه های علمیه و دستگاه سرکوب و زندان و جنگ و هزار دستگاه مفتخوری و ضد مردمی دیگر را افزایش میدهد، در واقع در حوزه اقتصاد نیز دارد جنگ علیه مردم را به پیش میرود. این را مردم آشکارا می بینند و میگویند و احساس میکنند.

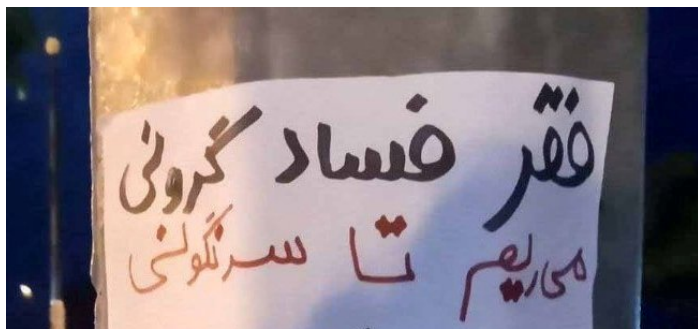
با توجه به همه اینها باید گفت بنزین شاید تنها یک ماده سوختنی باشد، اما در شرایط کنونی ایران، می تواند به جرقه ای برای فوران خشم اجتماعی بی نهایتی تبدیل شود که سالها در زیر سطح جامعه انباشته شده اند. کارگران و مردم حاضر نیستند هزینه تصمیمها و سیاستها و سرکوبها و دستگاه چپاول حاکم را بپردازند. این را بارها نشان داده اند و حکومت اسلامی میتواند برای بار آخر نیز مردم را امتحان کند و نتیجه را شاهد باشد!

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

**به حزب کمونیست کارگری
پیوندید!**



مردم جمهوری اسلامی یک پدیده غیر طبیعی و غیر عادی بوده که ۴۷ سال است سایه وحشت و تباہی اش را بر جامعه افکنده است. این یک اختاپوس وحشتناک بوده که برای نزدیک به نیم قرن منشأ فقر و فلاکت و خفقان و کشتار و خون پاشیدن بر جامعه بوده و همچنان با هر روز به ادامه حیات ننگین اش بر عمق و گستره جنایاتش می افزاید و جامعه به خوبی از آن آگاه است.

در نتیجه و بر همین اساس است که مردم نمی خواهند حتی یک روز بیشتر این حکومت نفس بکشد. جامعه می داند که نه حکومت یک حکومت طبیعی حتی در قالب تعیین شده نظام نابرابر بین المللی است و نه شرایطی که این رژیم با جنگ افروزی و ماجراجویی های منطقه ای اش بر مردم تحمیل کرده، طبیعی است. اساس و استراتژی جمهوری اسلامی از ابتدا حمله به دستاوردهای مدرن و تبدیل جامعه به تاریکخانه ای برای پرورش جهل و خرافات و انسان ستیزی و زن ستیزی بوده تا بتواند ایران را به پایگاه اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و گسترش آن به کشورهای منطقه تبدیل کند. شاخک های تروریسم اسلامی اش را در منطقه و در هر نقطه از جهان که توانسته، نفوذ داده و ناامنی و وحشت ایجاد کرده و هزینه های نجومی همه این فعالیت های مخرب و ناامن کننده را از جیب مردم با تحمیل گرانی و بیکاری پرداخته است. این رژیم دهه هاست پا را فراتر گذاشته و با تلاش برای دستیابی به بمب هسته ای، بقاء و هستی حداقل در مناطقی از کره زمین مانند اسرائیل که دشمن دینی اش است و مانع گسترش و ترویج سیاسی آن بر دیگر نقاط می شود، را تهدید می کند و در نتیجه زمینه ساز اعمال تحریم های اقتصادی و وقوع جنگ های ۱۲ و ۳۹ روزه و ادامه شرایط جنگی و ناامنی جاری و محاصره دریائی شده که همواره این مردم هستند که با جان و مال خود بهای آن را می پردازند.

همانطور که پیشتر ذکر شد هیچیک از این زنجیره اقدامات جمهوری اسلامی حتی در چارچوب تعریف شده نظام سرمایه داری که بر مبنای حفظ منافع سیاسی و اقتصادی اقلیت صاحبان سرمایه و هیئت حاکمه مربوطه در روابط بین الملل در نظر گرفته شده، قرار نمی گیرد و به اصطلاح یک رژیم یاغی به حساب می آید. بنابراین سران رژیم با معیارهای بین المللی هم نمی توانند ادعا کنند که جنگ های اخیر و پیامدهای اقتصادی آن ها طبیعی هستند.

اما از نظر ما مردم جمهوری اسلامی حتی اگر دست از گردن کشی در برابر قوانین بین المللی موجود هم بردارد و با آمریکا و اسرائیل وارد روابط عادی شود، حکومتی عادی نخواهد بود. ما حکومتی را عادی و طبیعی می دانیم که در قوانین و عملکردش خبری از اعدام به هر دلیلی نباشد، آزادی بیان و فعالیت سیاسی و ایجاد تشکل و حزب را به رسمیت بشناسد و گرانی و فقر و بی تأمین را از چهره جامعه بزداید. جمهوری اسلامی حکومتی آدمکش و ضد بشر و یک حکومت "غیرعادی" است و باید سرنگون شود.

نه گرانی و نه خود جمهوری اسلامی طبیعی نیستند

مهران محبی

پزشکیان در نشستی با دبیران کل احزاب و فعالین سیاسی باز هم طبق معمول نسبت به بن بست اقتصادی رژیم آه و ناله سر داده و باز هم با انداختن تقصیر بر گردن شرایط جنگی و محاصره دریائی، تلاش کرد که این اوضاع را با چرندیات و مزخرفات معمول حکومتی طبیعی و گریزناپذیر تشریح کند.

او گفته است که گرانی و مشکلات اقتصادی و معیشتی طبیعی است، چون محاصره دریائی در جریان است و برای واردات باید مسیرهای طولانی تری طی شوند که هزینه حمل و نقل را بسیار بالا برده و همین باعث افزایش قیمت کالاها می شوند. پزشکیان همچنین به عدم توانائی فروش نفت و نابودی کارخانه ها در جریان جنگ اعتراف کرده که نه تنها حالا نمی توانند مالیات پرداخت کنند، بلکه پول های موجود نیز باید هزینه بازسازی آن ها شوند و این مشکلات هم به تشدید گرانی کمک کرده اند. اما اینبار رئیس درمانده و بی خاصیت دولت این "توی سر خود زدن های" ریاکارانه را مقدمه چینی ای برای پرداختن به اصل موضوعی که هر روز بر کابوس همه مهره های رژیم می افزاید قرار داده، و آن هم سرنگونی حکومت به دست دشمن داخلی یعنی مردم است. پزشکیان در این جلسه دیگر مثل گذشته علیرغم گردن کج کردن ها و ادا و اطوار در آوردن های همیشگی اش از مردم دعوت به صبر و تحمل نمی کند، بلکه از سران و باندهای حکومتی دعوت به حفظ وحدت می کند و "هشدارباش" برای مقابله با آنچه که خود، آن را "طرح دشمن برای فروپاشی از داخل" می نامد، می دهد.

معلوم است که خود این مهره بیکاره هم مانند همه سران و تصمیم گیران رژیم نگران بقاء حکومت و در وحشت از به خیابان آمدن مجدد مردم است. در غیر اینصورت مجبور به اعتراف به بن بست های نظام نبود. اگر حکوت به زعم سرانش از ثبات و اقتدار برخوردار بود، همان رجزخوانی ها و تهدید کردن های همیشگی کافی بود تا جامعه را مرعوب کند. اما اینطور نیست و این واقعیت را همه جانپنکاران در رأس و بدنه رژیم هم می دانند و از اینرو است که بن بست های حکومت را یادآوری می کنند تا به جدی بودن هشدارهای شان به یکدیگر و برای کلیت رژیم بر مبنای واقعیات میدانی اعتبار ببخشند. خودشان از خطر سرنگونی حکومت شان در داخل و ضرورت آمادگی و بالا بردن توان سرکوب و کشتار معترضان حرف می زنند و اتفاقاً همین پزشکیان در جلسه مذکور هم با بکارگیری ترفند "اتهام تراشی" برای مجاز کردن سرکوب مردم بر آن انگشت می گذارد. "طرح دشمن برای فروپاشی از داخل" همان "اتهام تراشی" نخ نمائی است که دستگاه های نظامی-امنیتی و قضائی برای مشروعیت بخشیدن و عادی سازی کشتار و بازداشت و اعدام معترضان علیه فقر و گرانی و اختناق بکار می گیرند و این مهره بی خاصیت هم بر زبان می آورد.

به طور خلاصه، حرف پزشکیان در این جلسه این بوده است که اوضاع حکومت بسیار وخیم است و جامعه به سوی خیزشی دیگر می رود و باید همه سران و دستگاه های سرکوب، یکدست و یکدل آماده مقابله با خیزش جامعه باشند.

اما جامعه چه پاسخی به پزشکیان و همه جانپنکار حکومتی از اصلاح طلب گرفته تا اصولگرا، و از موافقان سازش با آمریکا گرفته تا مخالفان آن ها خواهد داد؟ واضح است که پاسخی را که از روز اول به جمهوری اسلامی داده، تکرار می کند. از نظر

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!



عاملان اجرایی ستم سرمایه‌داری کجا درس خوانده‌اند؟ یاشار سهندی

داشتن در یک جایی، در جمعی از اساتید دانشگاه و جامعه‌شناسانی که در خدمت جمهوری اسلامی هستند، برای نجات حکومت ورشکسته جمهوری اسلامی نشستند تا راه علاجی پیدا کنند. برادر عماد سابق و دکتر ربیعی الان در این راستا "در نشست تخصصی "تاب‌آوری اجتماعی در دوران جنگ"، تاب‌آوری اجتماعی را به سطح "معیشتی"، "اجتماعی" و "ادراکی-ذهنی"، تفکیک نمودند، حالا اینجاست که شما باید پیدا کنید سن پرتقال فروش را!

این شکنجه‌گر سابق و دکتر امروز خطاب به جماعتی از جنس خودش میگوید: "برای خروج از وضعیت کنونی و بازسازی تاب‌آوری ادراکی، پنج رکن کلیدی را پیشنهاد کردند. این ارکان شامل "بازسازی اعتماد"، "معناسازی"، "افزایش سواد ادراکی"، تغییر نقش از "قربانی" به "بازیگر" و "تقویت شبکه‌های انسانی" می‌شود. در آن نشست تخصصی اساتید محترم بر ضرورت بازتعریف تاب‌آوری در ایران تأکید کردند.

این جماعت که روی فلاکت و سرکوب مردم به جایی رسیده‌اند، در این نشست تخصصی "عقل هایشان را روی هم ریخته‌اند که به ما مردم بقبولانند که باید به دولت و حکومت اسلامی اعتماد کرد و خود را "بازیگر" بدانیم که با "افزایش سواد ادراکی" که این جنابان با علمی که آموختند آنرا "تشخیص دستکاری‌های روانی و تحلیل صحیح اطلاعات" تعریف میکنند، یعنی روح و روان جامعه را از طریق شبکه‌های انسانی چنان بهم خواهند ریخت که جهنم جمهوری اسلامی را بهشت تصور کنند. و البته این امر سختی‌هایی دارد که آنهم صد سال اول آن است، بعدش هم خدا بزرگ است!

یک مورد دیگر اشاره کنیم که نشان می‌دهد که این جماعت تربیت شده پای منبر آخوندها، چگونه همه توان خود را برای تضمین بساط استثمار و سود سرمایه خرج میکنند.

در یک کشمکش میان باندهای حکومتی بر سر چپاول سازمان تامین اجتماعی، با یک فرمان شبانه از سوی وزیر کار، احمد میدری، مصطفی سالاری از مدیر عاملی سازمان تامین اجتماعی عزل میشود و یک شخص دیگر منصوب میشود. یک چاقو کش حرفه‌ای به نام "حسن صادقی" معترض شده که این "بدعتی خطرناک" است! از این که بگذریم حلالیت طلبیدن جناب مدیر عامل برکنار شده گوشه‌ای دیگر از ریاکاری و شامورتی بازی حکومتیان را بازگو میکنید. ایشان در یادداشتی به دست خط مبارکشان نوشتند: "از همکاران گرانقدر، جوامع محترم کارگری، بازنشستگی، کارفرمایی و بیمه‌شدگان خداحافظی و طلب حلالیت می‌نمایم." حالا ما مانديم که این غم معزول شدن ایشان را کجای دلمان بگذرایم!

این حلالیت خواستند من را یاد یک ماجرای انداخت. چند سال پیش یک جایی کار میکردم. مدیر جدیدی بالای سر ما گذاشتند و ایشان به قاعده همه مدیران که در مکتب ضد انسانی سرمایه‌داری تربیت شدند، برای اینکه میخس را همان اول محکم

یک بابایی به اسم "پرهام پهلوان" سردبیر روزنامه حکومتی دنیای اقتصاد، در عکس العمل به دستور افزایش قیمت بنزین به ۸۷ هزار تومان، و اجرای آزمایشی آن در استان کرمان که بلافاصله دستور لغو آن هم صادر شد، دست به قلم شده و مرقوم فرمودند: "اگر قرار است قیمت بنزین آزاد شود، باید امکان انتخاب آزادانه خودرو نیز فراهم باشد. اگر قرار است مصرف‌کننده هزینه واقعی سوخت را بپردازد، باید اجازه داشته باشد وسیله نقلیه متناسب با این هزینه را انتخاب کند."

واقعاً؟! وقتی مطلب این جناب سردبیر را میخوانید گویا مردم هیچ مشکلی ندارند جز ویراژ رفتن با خودروهایشان در خیابانها، و مشکل این مردم این است که نتوانسته‌اند خودشان مدل ماشینی که دوست دارند را انتخاب کنند که پر مصرف باشد یا کم مصرف! به زعم ایشان اگر اینجوری بود دیگر به خودشان حق نمیدادند که به گران شدن بنزین اعتراض کنند. چون به قول جواد ظریف (وزیر خارجه دولت روحانی که کارش "علاج" کردن جنایات حکومت است) "مردم خودشان انتخاب کردند اینجوری زندگی کنند!"

جناب پرهام پهلوان از فرصت استفاده کرده‌اند و برای اینکه گران کردن سوخت را به "نظام انگیزشی" ارتقا دهند، استدلال می‌فرمایند: "سوال درست‌تر این است که چرا دولت باید اصلاً انتخاب مصرف‌کننده را محدود کند؟ ... کسی که می‌خواهد خودروی کم مصرف بخرد، باید بتواند آن را وارد کند یا از میان عرضه‌کنندگان مختلف انتخاب کند؛ کسی که خودروی بزرگ و پر مصرف می‌خواهد نیز باید هزینه واقعی انتخاب خود را بپردازد. در چنین شرایطی، قیمت بنزین دیگر صرفاً ابزاری برای گران کردن سوخت نیست؛ به بخشی از یک نظام انگیزشی تبدیل می‌شود. فردی که خودروی پر مصرف دارد، هزینه بیشتری می‌پردازد و فردی که خودروی کم مصرف انتخاب کرده، از مزیت انتخاب خود برخوردار می‌شود!"

به همین سادگی مساله حل شد! راستش همچنین مواقعی مردمی که دست شان به هیچ جا بند نیست در عکس العمل به این اظهار نظرها می‌گویند: "معلوم نیست کی به اینها مدرک (تحصیلی) داده!" یا "این یارو کجا درس خونده! یا کجای دنیا زندگی میکند." ایشان هر جا تحصیل علم کرده باشند، علم اقتصاد بورژوازی یعنی توجیه ستم و سرکوب. برای همین یک اقتصاددان گران شدن بنزین را به محدود بودن نوع انتخاب خوردو از سوی مصرف‌کننده جلوه میدهد، که موزیانه در این بین مصرف بنزین را به گردش با ماشین تقلیل میدهد، تا عملاً تقصیر را گردن خود مردم بیندازد: "خب این مردم میتوانند سرجایشان بنشینند کمتر با ماشین اینور و آنور بروند و هوا را هم آلوده نسانند!"

در این زمینه به مورد دیگری پردازیم که از کارگری به سرکوبگری و شکنجه‌گری ارتقا پیدا کرده و بعداً مدرک دکترایش را هم گرفته است. خوانندگان نشریه کارگر کمونیست حتماً علی ربیعی را میشناسند. ایشان الان دستیار اجتماعی مسعود پزشکیان است.

در دولت روحانی وزیر کار بود، پیشتر از آن بازجوی وزارت اطلاعات بود که به اسم "برادر عماد" مشهور بوده است. و چنان خشن و بی رحم بوده که به روایت یکی از نمایندگان مجلس تبهکاران نامش لرزه بر اندام زندانی می‌انداخته. بعد از ۴۷ سال ریزش آوار مصیبت بر زندگی ما مردم که خود ایشان در این امر مشارکت مستقیم

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

زنده باد

زن، زندگی،

آزادی

زن یعنی احترام به زندگی، یعنی برابری همگان و رفع هرگونه تبعیض!
زن یعنی لغو حجاب اجباری، ممنوعیت حجاب کودک! یعنی لغو همه قوانین ضد زن اسلامی!

زن یعنی پایان دادن به آپارتاید جنسیتی در ایران!

زن یعنی پایان دادن به هرگونه ستم و تحقیر و توهین مذهبی به زنان و به همه مردم!

زندگی یعنی رفاه و شادی و معیشت و منزلت برای تک تک انسانها!

زندگی یعنی پایان دادن به استثمار و بردگی مزدی! یعنی پایان دادن به نابرابری اقتصادی!

زندگی یعنی رفاه و حرمت و شادی کودکان!

زندگی یعنی آب و هوای پاک و آفتاب درخشان برای همه!

زندگی یعنی لغو مجازات اعدام و سوزاندن همه چوبه های دار!

زندگی یعنی محاکمه همه آمران و عاملان کشتار مردم، قاتلان مهساها و نیکاهها در انقلاب جاری و در چهاردهم خیر!

آزادی یعنی به گور سپردن حکومت و سلطه مذهبی و قطع دست مذهب و نهادهای مذهبی از زندگی مردم!

آزادی یعنی آزادی همه زندانیان سیاسی و باز کردن درب همه زندانها!

آزادی یعنی انحلال کلیه نیروها و نهادهای سرکوب و جاسوسی علیه مردم!

آزادی یعنی پایان دادن به همه مقدسات و تابوها و دکم و جبر مذهبی تحمیلی بر جامعه!

آزادی یعنی آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل و اجتماع و اعتراض!

آزادی یعنی حاکمیت مستقیم شهروندان و لغو هرگونه حکومت مافوق مردم!

زن، زندگی، آزادی یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جامعه انسانی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مهرماه ۱۴۰۱

از صفحه ۵

عاملان اجرایی ستم سرمایه داری

بگوید، دنبال قربانی میگشت! از من بهانه مسخره ای پیدا کرد (جواب تلفنش را نداده بودم)؛ مشغول به کار بودم که یک نامه ای دادن دستم، که خودت را به قسمت اداری معرفی کن! یعنی اخراج! بعد این جناب رسید و گفت: بیا بریم درباره اش حرف بزنیم! گفتم: قبل از نامه باید حرف میزدی نه الان! گذشت.

ما به دلایلی، به کارمان در همان شرکت ادامه دادیم منتهی در بخش دیگری. و

بعد از چند ماه عذر ایشان را خواستند! و این جناب مدیر روز آخری دنبال من میگشت تا از من "حلالیت" بطلبد! من گفتم: من به این حرفها اعتقاد ندارم و کینه ای هم ندارم! گفت: جدا، پس بگو حلالم کردی! گفتم: شما با خیال راحت برو هیچ مشکلی نیست! و خدا میداند الان ایشان تا حالا چند نفر را از نون خوردن انداخته است.

مدیر معزول تامین اجتماعی هم در همان نامه اطمینان دادند که برمیگردند به سرکار اولشان (بعنوان عضو هیات علمی موسسه مطالعات بین المللی انرژی)؛ "و در فرصت حاصله، طرحها، راهکارها و اقدامات برای خروج از بحران ناترازی صندوقهای بازنشستگی و آنچه در این ۲۲ ماه بر این سازمان گذشت را محضر دلسوزان عرضه خواهم نمود." خدا رحم کند!

موردی که در زمان مدیریت ایشان در سازمان تامین اجتماعی در دو ساله آخر باب شده این است که ماه اول و دوم از سال مستمری بازنشستگان با کسری پرداخت میگردد. پرداخت معوقات حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی را شش تا هفت ماه عقب می اندازند. و به نظر چیز خاصی نیست، اما با حساب و کتاب ایشان با این پولی که عملاً بالا کشیدند کارهای دیگری انجام میدهند و از سوی دیگر با روند گرانی روز افزون و سقوط ارزش ریال عملاً حقوق معوقه وقتی پرداخت میگردد که از نظر ارزش ریالی حداقل به نصف کاهش یافته است. بهر حال این هم یک "شیوه حل" بحران ناترازی صندوقهای بازنشستگی" بوده که دستاورد ایشان بوده است. لابد چند وقت دیگر ایشان هم در یک نشست تخصصی تجربیات خودشان را برای افزایش سقف تاب آوری جامعه در اختیار کسانی از جنس خودش، قرار خواهد داد. قصد این نوشته صرفاً افشای نبود، چون کاربدستان این حکومت رسوای عام و خاص هستند. اما این چند مورد گوشه ای از نگاه کل بورژوازی و کاربدستانش، از یک مدیر بی نام و نشان در یک کارگاه کوچک گرفته، تا جناب وزیر یا سردبیر محترم یک روزنامه، همگی یک خط سیر را دنبال میکنند.

اول تحقیر، دوم ریاکاری به همراه فخر فروشی که ایشان بیشتر چیز میدانند تا بقیه، و همزمان پیچاندن یک حرف ساده تا حرف اصلی و هدف اصلی شان یعنی

یوتل ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

دودمان KANAL
کانال جدید

تشدید صدور حکم اعدام

معارضان دی ماه؛ اسامی بیش از ۶۰ زندانی در معرض اجرای حکم

مهدی ظریف	عبدالرضا فتحی	محمد رضا طبری
مهران سیدزاده	حمیدرضا ثابت رآی	شروین باقریان جلی
عرفان خلیلی	مریم (مهتاب) هداوند	احسان حسینی پور حصارلو
علی اکبر محلوچی	اسماعیل رمضان پور	متین محمدی
حسام عیسایی	کاوه عربیان	عرفان امیری
حسین شکوهی	علی دانش پرور	ابوالفضل صالحی سیاوشانی
ابوالقاسم کاظم اصلانی	علیرضا رئیسی	شهاب زهدی
آرین ولی پور	قائم حسینی	یاسر رجایی فر
اکبر عرب زاده	امیرحسین ملکی	آرمان معرفتی
مهدی عرب زاده	علی دشتی	بیثا همتی
افشار شاداحمدی	امیرحسین	بهروز زمانی نژاد
ایمان شفایی	کیانوش هزهای کازرونی	محمدرضا مجیدی اصل
صدرالدین احمدزاده	مجتبی دهبندی	کوروش زمانی نژاد
مرتضی زمانی	احد شکوهیان	سعید زارعی کردشولی
مهدی رنجبر	مجید نیک اندیش	حمیدرضا فتحی
مهدی روشنی		
رسول رضایی		
منصور جعفری		
شاهین سلیمانی		
حسین قلعه بیگی		
رضا مودنی		
یاسر مختاری		
مسلم حیدری		
رمضان اسدی		
ابوالفضل هاشمیان		
دانیال هارونی		
نوید شیرانی		
سیدرضا حسنلو		
داوود امین زاده		
مبین سلطانی		
پژمان حقیقی		

تداوم کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"، خطر اعدام ۶۰ نفر از معترضین، تجمع پرستاران بیمارستان حکیم نیشابور

امروز بیستم مرداد ماه کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در هفته صدور سی و سوم در ۵۹ زندان مختلف جریان داشت. در بیانیه هفتگی این کارزار برای تداوم وحشیانه اعدامها و به‌دار آویخته شدن ۳۴۲ نفر از آغاز سال ۱۴۰۵ تا کنون اشاره دارد. که ده نفر آنها زن، دو نفر که در کودکی حکم اعدام گرفته بودند و ۳۷ نفر زندانی سیاسی بوده‌اند. در بخشی از بیانیه اعضای این کارزار چنین آمده است:

"حکومت مستبد حاکم می‌خواهد با این اعدامها، در جامعه جو رعب و وحشت ایجاد کند تا هر صدای اعتراضی را خفه کند. در این مدت شاهد بودیم که شماری از زندانیانی که علیه اعدام اعتراض کرده بودند به انفرادی منتقل شدند و یا علیه آنها پرونده‌سازی جدید شده‌است. از سوی دیگر با باز کردن پرونده‌های گروهی مثل میدان علیخانی یا میدان شهدای اصفهان یا شانندیز یا اسفراین و صدور احکام اعدام و یا حبس‌های طولانی مدت، قصد مرعوب کردن جامعه را دارند. اما این ترندها خشم جامعه را صدچندان می‌کند."

در ادامه اعضای کارزار ضمن قدردانی از تمامی مردم و بخش‌های مختلف جامعه بخاطر اعتراضشان علیه اعدامها بر تداوم کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام و همبستگی وسیع مردم علیه اعدام‌ها تاکید میکنند.

۶۰ نفر از معترضین در لیست اعدام

خبر دیگر در رابطه با جنبش علیه اعدام انتشار اسامی بیش از شصت نفر از معترضین محکوم به اعدام از سوی کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان است. این اسامی شامل افرادی است که قبلاً نام و وضعیت پرونده‌هایشان در فهرست مستندسازی‌شده این کمیته ثبت شده است.

کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان ضمن انتشار این اسامی نسبت به خطر اجرای احکام آنان و دیگر معترضانی که در شرایط مشابه قرار دارند، هشدار داده است. طبق گزارش در ماه‌های گذشته در برخی موارد، هویت معترضان اعدام‌شده مرتبط با اعتراضات دی‌ماه تنها پس از اجرای حکم رسماً اعلام شده است. بعلاوه ده‌ها و احتمالاً شمار بیشتری از معترضان در زندانهای ایران با خطر صدور یا اجرای حکم اعدام مواجه‌اند، بدون آنکه اطلاعات دقیقی از هویت و وضعیت پرونده آنان در دسترس عموم باشد.

این کمیته از خانواده‌ها، دوستان و نزدیکان زندانیان در معرض خطر خواسته است

اطلاعات مربوط به پرونده آنان را پیش از اجرای حکم، با رسانه‌ها، نهادهای حقوق بشری و گروه‌های مورد اعتماد در میان گذارند. با اعتراضات سراسری بساط اعدام و سرکوب حکومت را جمع کنیم.

تجمع اعتراضی پرستاران و کادر درمان بیمارستان حکیم نیشابور

در ادامه اعتراضات زنجیره‌ای پرستاران و کادر درمان در شهرهای مختلف امروز بیستم مرداد ماه پرستاران و کادر درمان نیشابور نیز در اعتراض به پرداخت نشدن معوقات و کارانه، کمبود تجهیزات و پرسنل، اضافه‌کاری اجباری، و تبعیض در پرداخت کارانه در مقابل بیمارستان حکیم تجمع کردند و شعار "کارانه حق ماست، پولش تو جیب شماست" را سردادند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۰ مرداد ۱۴۰۵، ۱۱ اوت ۲۰۲۶

سندیکای شرکت واحد: اعدام‌ها را متوقف کنید!

حمل و نقل، فدراسیون‌های جهانی و تمامی تشکلهای مستقل کارگری در سراسر جهان می‌خواهیم که صدای ما باشند. خواهان آتش بس فوری و پایان جنگ، توقف فوری تمامی اعدام‌ها در ایران، آزادی بی‌قید و شرط همه فعالان صنفی و سیاسی زندانی، و لغو کامل مجازات اعدام شوید... مجازات اعدام باید فوراً لغو شود! زندانیان سیاسی باید آزاد شوند

(برگرفته از بیانیه سندیکای شرکت واحد تهران و حومه)

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

"ما کارگران مخالف مجازات اعدام هستیم؛ نه فقط به این دلیل که مجازات اعدام ضدانسانی است و در تمام دنیا باید لغو گردد، بلکه به این دلیل که هیچ کارگری زیر سایه تهدید به اعدام آزاد نیست. وقتی حکومت‌ها حق گرفتن جان انسان‌ها را برای خود محفوظ می‌دانند، حق تشکیل‌یابی، ایجاد سندیکاهای مستقل و حق اعتصاب و اعتراض بی‌معنا می‌شوند.

ما تمامی اعدام‌های سیاسی و دادگاه‌های فرمایشی و فوری را محکوم می‌کنیم. اتهامات مطرح‌شده علیه زندانیان سیاسی، فعالان اجتماعی، زنان، دانشجویان، معلمان، جوانان و کارگران معترض، سناریوسازی‌هایی است که به‌ویژه در شرایط جنگی و حتی بدون رعایت روندهای قانونی همین قوانین موجود پیش برده می‌شوند. زندانی، اعم از سیاسی یا عادی، از حقوقی بنیانی برخوردار است که متأسفانه در کشور ما دائماً نقض می‌شوند.. ما از تمامی اتحادیه‌های کارگری، کارگران بخش

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر و ادامه اعتراضات بازنشستگان صنایع فولاد در اصفهان



امروز همچنین بازنشستگان فولاد و ذوب آهن اصفهان به تجمع اعتراضی خود در مقابل ساختمان استانداری ادامه دادند. و با فریاد "فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن! پیگیر خواسته هایمان شدند.

مطالبات فوری این بازنشستگان عبارتند از: ارائه خدمات درمانی رایگان، کامل و مستمر بر اساس آیین نامه استخدامی فولاد، اصلاح و اجرای واقعی متناسب سازی حقوق طبق سرانه اختصاصی فولاد و نه سرانه کشوری، افزایش مستمری ها متناسب با نرخ واقعی هزینه های سبد معیشت که اکنون بالای صد و پنجاه میلیون است و اجرای دقیق ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی و پرداخت سریع تمام معوقات مزدی این بازنشستگان بیش از یک هفته است که به طور متوالی تجمع میکنند و شعار "درمان، معیشت، حق مسلم ماست" یک بنر قابل توجه تجمعات این بازنشستگان است. مطالبات فوری و سراسری بازنشستگان عبارتند از: ارائه خدمات درمانی رایگان و ناظر بر درمان شایسته، افزایش مستمری ها بر اساس نرخ واقعی نرخ سبد معیشتی که امروز از صد و پنجاه میلیون تومان صحبت میشود، اجرای کامل و کامل تر همسان سازی حقوق و پرداخت فوری تمام معوقات، تسویه بدهی های انباشته دولت به سازمان و پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها، آزادی بازداشت شدگان و همه معترضین زندانی و پایان دادن به جنگ افروزی های حکومت. این خواسته ها و همچنین پایان دادن به اعدامها در شعار های اعتراضی بازنشستگان بازتاب دارد و مطالبات همه مردم است.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۵ مرداد ۱۴۰۵، ۱۶ اوت ۲۰۲۶

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی

امروز ۲۵ مرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای تهران، شوش، اهواز و رشت به مانند یکشنبه های هر هفته و با فراخوانی از قبل اعلام شده در اعتراض به فقر و بی تأمین و گرانی و بدتر شدن هر روز وضع معیشتی خود تجمع کردند. در تهران بازنشستگان تامین اجتماعی به همراهی بازنشستگان فرهنگی و مخابرات مقابل سازمان تامین اجتماعی تجمع داشتند. این بازنشستگان با شعارهایشان مضمون اعتراض خود را بیان میکردند. آنها از جمله شعار میدادند: "ما دیگه جنگ نمی خواهیم، فقر و گرونی نمی خواهیم"، "جنگ و مذاکره بهانه است، زندگی مون نشانه است"، "نان گران، دارو گران. دولت شده دشمن جان"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "رضا امانی فر، معلم زندانی آزاد باید گردد"، "مسعود فرهیخته، معلم زندانی آزاد باید گردد"، "علیرضا شایگان، معلم زندانی آزاد باید گردد"، "علیه حکم اعدام، ایستاده ایم تا پایان"، "نه به اعدام، نه به اعدام، نه به اعدام"، "قط کف خیابون، به دست می آد حقمون"، و "دولت ورشکسته، کشتیش به گل نشسته".

در شوش بازنشستگان از کرخه و شوش و هفت تپه علیرغم گرمای هوای ۵۰ درجه بالای صفر خوزستان تجمع و راهپیمایی داشتند و شعار میدادند: "قط کف خیابون، به دست می آد حقمون!"، "نه مجلس، نه دولت، نیستن به فکر ملت!"، "دولت بی لیاقت، مجلس بی کفایت، نمی خواهیم"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم". در رشت بازنشستگان در فراخوان اعتراضی خود از جمله این شعارها را مورد تاکید قرار داده اند: "معلم زندانی، آزاد باید گردد"، "امانی فر، فرهیخته، خواستار، آزاد باید گردند"، "کارگر زندانی، آزاد باید گردد"، "دانشجوی زندانی، معترض زندانی، آزاد باید گردد"، "نه به اعدام، نه به جنگ، نه نه نه"، "کارگر، معلم، کشوری، لشکری، اتحاد -- اتحاد".

در اهواز بازنشستگان در گرامیداشت یار دیرین و فعال مطالبه گر خود سعید باقری طاهری در قطعه ۱۳/۱ بهشت آباد جمع شدند. و بر حضور همیشگی او در اعتراضاتشان ارج گذاشتند.

تجمع اهالی روستای کمره بالا در اسلام آباد، کارگران شهرداری ماهشهر و اخباری دیگر

خود و در گرمای شدید تابستانی در محل پروژه جمع شده و پیگیر حق و حقوقشان هستند. به گفته معترضین برای دریافت این زمین ها حدود ۷۵ میلیون تومان پرداخت کرده اند، اما یازده سال از پرداخت پول آنها میگذرد و هنوز نه زمینی تحویل گرفته اند و نه پاسخ روشنی درباره سرنوشت پولهای پرداخت شده به آنها داده میشود و همچنان بلا تکلیف هستند.

لغو مجازات اعدام در لبنان و بیانیه مشترک دو نهاد اعدام نکنید و دادخواهان به دنبال لغو مجازات اعدام در لبنان دو نهاد اعدام نکنید و دادخواهان در بیانیه ای تحت عنوان "لغو مجازات اعدام در لبنان، درخشش بارقه امید پیروزی" نه به اعدام در ایران"، بار دیگر بر لغو مجازات اعدام در ایران تاکید کردند.

این دو نهاد در بیانیه خود ضمن اشاره به دستاوردهای جنبش علیه اعدام در بیانیه خود تاکید کرده و مینویسند: "نهاد "اعدام نکنید" به همراه "دادخواهان" به همه کسانی که برای لغو مجازات اعدام مبارزه می کنند درود می فرستد و برای برافراشته شدن پرچم نه به اعدام در ایران همه نهادها، سازمانها و تشکلهای مدافع حقوق انسان را به اتحاد فرا می خواند. به مجازات قرون وسطایی اعدام پایان دهید".

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۵ مرداد ۱۴۰۵، ۱۶ اوت ۲۰۲۶

اعتراض مردم روستای کمره بالا در اسلام آباد غرب

امروز ۲۵ مرداد اهالی روستای کمره بالا از توابع اسلام آباد غرب در اعتراض به بحران بی آبی و عدم تأمین آب نوشیدنی پایدار و با فریاد "آب آشامیدنی، حق مسلم ماست" در مقابل اداره آب و فاضلاب شهرستان تجمع کردند. مطالبات فوری این مردم عبارتند از: تأمین سریع و پایدار آب شرب بهداشتی و حل بحران قطعی مستمر آب روستا، نوسازی و اصلاح شبکه های فرسوده آبرسانی منطقه و رفع سوء مدیریت مسئولان و پاسخگویی مسئولان مربوطه به خواسته هایمان و پایان دادن به وعده های توخالی.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری ماهشهر

روز گذشته ۲۴ مرداد کارگران شهرداری بندر ماهشهر در اعتراض به مطالبات معوقه مزدی و مشکلات معیشتی خود، و خلف وعده ها و پاسکاری آنها مقابل فرمانداری تجمع کردند.

تجمع دوباره متقاضیان زمینهای مارال پیشرو در سیرجان

روز گذشته ۲۴ مرداد بیش از هزار متقاضی زمینهای مارال پیشرو در سیرجان در اعتراض به بلا تکلیفی یازده ساله و بالا کشیدن حق و حقوقشان همراه با خانواده های

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات، کارکنان بهداشت تهران و اخباری دیگر

کاری ساعتی سی هزار تومان حتی از کار دانشجویی ساعتی هم مبلغش کمتر است. - امروز بیست و ششم مرداد ماه کارکنان مخابرات در شهرهای سنندج، اصفهان و کرمانشاه در اعتراض به وخامت هر روزه وضع معیشتی خود و برای پیگیری خواستههایشان دست به تجمعات اعتراضی زدند.

عدم پرداخت مطالبات، اجرایی نشدن کامل آیین نامه ۸۹/۲۴ که اجرای آن میتواند بهبودی در سطح دریافتی آنها باشد و وضعیت اسفناک بیمه تکمیلی که حتی همان حداقل ها را هم شامل نمیشود و خلف وعده و چپاولگریهای سهامداران عمده، موضوعات اعتراض این بازنشستگان است. در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: "نه گرما، نه سرما، نیست جلودار ما"، "سهامدار غاصب! ننگت باد! ننگت باد!", "معیشت، خواروبار، حق مسلم ماست"، "سهامدار ظلم می کند، وزیر حمایت می کند"، "بیمه ی تکمیلی، حق مسلم ماست!"

- امروز دوشنبه ۲۶ مردادماه، شماری از کارکنان نفت در مجتمع گاز پارس جنوبی در سکوی ۱۵ این شرکت، در اعتراض به خلف وعده ها و شرایط بد معیشتی و کاری و گذاشتن سقف حقوق برای آنها و کاهش سطح دستمزدهایشان بار دیگر دست به تجمع زدند.

- صبح امروز، دوشنبه ۲۶ مرداد کارکنان مراکز بهداشت در اعتراض به وضعیت معیشتی خود مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند. به گفته معترضین اوضاع معیشتی بهداشت بخصوص نیروهای رسمی و پیمانی باسابقه واقعا اسفبار است و اضافه

- روز ۲۵ مرداد کارگران شهرداری بندر ماهشهر در اعتراض به مطالبات معوقه مزدی و مشکلات معیشتی خود، و خلف وعده ها با مطالبات افزایش دستمزدها، پرداخت سهم کارفرما از حق بیمه تکمیلی و تعیین تکلیف وضعیت اضافه کاری هایشان برای دومین روز متوالی مقابل فرمانداری تجمع کردند. اعتراضات آنان ادامه دارد.

- روز یکشنبه ۲۵ مرداد اساتید دانشگاه فرهنگیان که از یک سال قبل اخراج شده اند، با خواست بازگشت به کار و پرداخت حقوق یکسال گذشته خود در مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع اعتراضی بر پا کردند. این استادان که تعداد آنها به بیش از ۳۲۰ نفر می رسد سال گذشته به شیوهای اجباری، گزینشی و تبعیض آمیز بازنشسته شدند. این نهمین تجمع این استادان در یک سال گذشته است و آنها اعلام کرده اند که در روزهای آینده نیز به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ مرداد ۱۴۰۵، ۱۷ اوت ۲۰۲۶

ادامه تجمعات بازنشستگان فولاد، بازداشت مجدد یاسر احمدی نژاد کارگر نفت

سختاوت اسدی مدیریت وقت منطقه ویژه پارس و غلامعباس حسینی مدیر عامل مجتمع گاز به مراجع قضایی، تعدادی از فعالین کارگری که به اتهام مشارکت در برگزاری بزرگترین اعتراض کارگری آذرماه گذشته در عسلویه بازداشت شده بودند، زیر فشار بیشتری قرار گرفته اند. هرچند رسیدگی به پرونده آنان در روز مقرر، برابر با شروع جنگ به زمان دیگری موکول گشت، اما فشار مستقیم نهادهای امنیتی به این کارگران و خانواده هایشان در جریان است.

حزب کمونیست کارگری بازداشت مجدد یاسر احمدی نژاد و تداوم بازداشت کارگران معترض در نفت و ادامه فشار های امنیتی بر روی کارگران را محکوم میکند و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط یاسر احمدی نژاد، کارگران بازداشتی نفت و همه معترضین بازداشتی و زندانیان سیاسی در بند تاکید میکند. با اتحاد مبارزاتی خود بساط سرکوب و زندان و اعدام حکومت را جمع کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ مرداد ۱۴۰۵، ۱۲ اوت ۲۰۲۶



تجمعات اعتراضی متوالی بازنشستگان فولاد اصفهان

روز بیستم مرداد ماه شماری از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان برای چهارمین روز متوالی در اعتراض به مشکلات معیشتی و بی پاسخ ماندن خواستههایشان در مقابل ساختمان استانداری دست به تجمع زدند. اجرای ۳۰ درصد باقی مانده متناسب سازی حقوق و رفع مشکلات درمانی و نقایص بیمه پایه و تکمیلی خواستههای فوری این بازنشستگان است. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان معترض با فریاد "بیمه تکمیلی حق ماست؛ نیاز فوری ماست!" صدای اعتراض خود را بلند کردند. ادامه بلاتکلیفی در زمینه بیمه تکمیلی بازنشستگان را از همان حداقل بیمه که به هیچوجه جوابگوی نیاز درمانی آنها نیست محروم کرده و فشار سنگینی بر زندگی و هزینه های درمانی آنان وارد نموده است. درمان رایگان خواست سراسری بازنشستگان است که در شعارها و برنه های اعتراضی آنها همواره بازتاب یافته است. بازنشستگان فولاد اعلام کرده اند که متحد و پیگیر، تا رسیدن به حق خود از مطالبه گری دست نخواهند کشید..

بازداشت مجدد فعال کارگری نفت یاسر احمدی نژاد

طبق گزارشات منتشر شده مامورین امنیتی حکومت از تمديد مرخصی یاسر احمدی نژاد از فعالین کارگری در نفت جلوگیری کرده و در نیمه مرداد ماه او را دوباره بازداشت کرده و به زندان یاسوج انتقال داده اند.

یاسر احمدی نژاد کارگر و نماینده مستقل کارگران ملی حفاری در بیستم تیرماه سال جاری به قید وثیقه آزاد شده بود. طبق گزارشات شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی و کارگران پیمانی نفت، علاوه بر وضعیت یاسر احمدی نژاد، فشارهای امنیتی بر روی کارگران نفت شدید است. از جمله با طرح شکایت از سوی

۲۴ و ۲۲ مرداد: چند اعتراض

تجمعات بازنشستگان، خانواده های بیماران فیروز، پلاستیک خزر و احضار معترضین علیه اعدام



تجمع بازنشستگان فولاد و ذوب آهن اصفهان

امروز شنبه ۲۴ مرداد بازنشستگان فولاد و ذوب آهن اصفهان در اعتراض به وضعیت سخت معیشتی و بی پاسخ ماندن مطالباتشان برای چندمین روز متوالی در مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. وضعیت اسفناک درمان و کاهش سطح آن یک موضوع مهم این اعتراضات است و بازنشستگان با بنر "درمان، معیشت حق مسلم ماست" صدای اعتراض خود را به این وضعیت بلند کردند. درمان رایگان و افزایش مستمری ها به بالای نرخ سبد معیشتی که امروز از ۱۲۰ میلیون تومان صحبت میشود، خواست سراسری بازنشستگان و بخش های مختلف کارگری و حقوق بگیران جامعه است.

تجمع اعتراضی خانواده های بیماران CF مقابل وزارت بهداشت

امروز شنبه ۲۴ مرداد جمعی از خانواده های بیماران مبتلا به فیروز کیستیک (CF) در اعتراض به افزایش شدید هزینه ها و کمبود داروهای مورد نیاز بیماران، مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند. فیروز کیستیک یک بیماری جدی و مزمن است و بیماران برای کنترل عوارض آن به درمان و داروهای مستمر نیاز دارند؛ گرانی و کمبود دارو، فشار مضاعفی را بر این بیماران و خانواده هایشان وارد کرده است. گرانی دارو و افزایش نجومی نرخ آن یک موضوع مهم اعتراضات بازنشستگان و مردم در جامعه است.

اعتصاب رانندگان ماشین های سنگین سیمان خوزستان

گرانی ها و وضع بد معیشتی فضای اعتراضی در میان رانندگان کامیون و ماشین های سنگین را شدت داده است. روز ۲۲ مرداد رانندگان ماشین های سنگین باربری شرکت سیمان خوزستان (هفتکل) در اعتراض به نحوه توزیع بار و شرایط کاری و فشارهای سخت معیشتی و کاری برای ششمین روز متوالی دست به اعتصاب زدند. مطالبات فوری این رانندگان عبارتند از: لغو فوری سامانه اعلام بار تلفنی و تبعیض و نابرابری در توزیع بار، بازگشت به توزیع حضوری و نوبت محور بار، حضور مستقیم مدیران کارخانه در محل و پاسخ گویی شفاف به مطالبات و مشکلات رانندگان، ورود و نظارت سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای بر روند بارگیری و توزیع بار و رعایت کرامت شغلی رانندگان و پایان دادن به برخوردهای نامناسب. علاوه بر رانندگان ماشین های سنگین سیمان خوزستان، طی روزهای گذشته کارگران بخش های مختلف این شرکت در اعتراض به تبعیض در پرداخت ها و

مطالبات معوقه خود دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی کارگران شاغل در کارخانه خزر پلاستیک

روز پنجشنبه ۲۲ مرداد کارگران شاغل در کارخانه خزر پلاستیک در اعتراض به سطح نازل حقوقها، اجرای سلیقه ای و تبعیض آمیز طرح طبقه بندی مشاغل و اختصاص پایین ترین رتبه ها برای کارگران پیمانکاری و معوقات مزدی خود دست به اعتصاب زدند. در این شرکت سیصد کارگر به کار اشتغال دارند که تنها حدود هفتاد نفر از آنها قرارداد مستقیم با کارگاه دارند و سایر نیروها از طریق سه شرکت پیمانکاری مشغول به کار هستند.

احضار گسترده معترضان به اعدام؛

طبق گزارشات منتشر شده در روزهای اخیر حدود ۱۰۰ نفر از چهره های شناخته شده که به موج تازه اعدام ها، به ویژه اعدام علنی معترضان در اصفهان، اعتراض کرده بودند، به نهادهای امنیتی یا دادرها احضار شده اند. در میان احضارشدهگان، ده ها هنرمند و سینماگر دیده میشوند و بیش از ۲۰ نفر از آنان از بازیگران شناخته شده سینما و تلویزیون هستند. این احضارها پس از انتشار مطالب اعتراضی آنها در شبکه های اجتماعی با هشتگ "#نه_به_اعدام" آغاز شده است.

اعتراضات گسترده علیه اعدام بازتاب وسیع جهانی پیدا کرده است. از جمله دولت بریتانیا بیانیه مشترک ۳۳ کشور و نماینده عالی اتحادیه اروپا در محکومیت اعدام معترضان در ایران را منتشر کرد. امضا کنندگان این بیانیه ادامه اعدام معترضان و سرکوب کسانی را که برای عدالت و کرامت انسانی اعتراض کرده اند، محکوم کرده و خواستار توقف فوری اعدام ها، آزادی بازداشت شدگان اعتراضات و پایان دادن به استفاده از مجازات اعدام برای ایجاد ترس و خاموش کردن مخالفان شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ مرداد ۱۴۰۵، ۱۵ اوت ۲۰۲۶





اولتیماتوم زندانیان قزلحصار به اعتصاب در اعتراض به طرح انتقال دویست زندانی سالن ۴ در واحد ۲ این زندان

طبق گزارشات منتشر شده مقامات زندان قزلحصار طرح جابجایی حدود ۲۰۰ زندانی سالن ۴ واحد ۲ زندان قزلحصار را در دستور گذاشته اند. از زندانیان خواسته شده است که تا شنبه ۲۴ مرداد برای انتقال نام نویسی کنند. مسئولان زندان، انجام تعمیرات در سالن را دلیل این تصمیم عنوان کرده اند؛ اما زندانیان این توضیح را نپذیرفته و هدف واقعی این طرح را پراکنده کردن افرادی می دانند که در اعتصاب دو هفته ای علیه اعدام شرکت داشتند و طبق گزارشات این زندانیان تا کنون بصورت جمعی از نام نویسی برای انتقال خودداری کرده و هیچ یک حاضر نشده اند که درخواست داوطلبانه جابه جایی را بدهند.

زندانیان سالن ۴ اخطار داده اند که در صورتی که مسئولان زندان برای اجرای جابه جایی به فشار، اجبار یا انتقال اجباری متوسل شوند، بار دیگر دست به اعتصاب خواهند زد.

این هشدار در شرایطی مطرح شده که تجربه اعتصاب قبلی نشان داد اعتراض در واحد ۲ می تواند به حرکتی گسترده و جمعی تبدیل شود.

اعتراض قبلی ۱۵۰۰ زندانی محکوم به اعدام در سالن ۴ واحد ۲ قزلحصار از روز دوشنبه ۲۲ تیرماه ۱۴۰۵ و پس از انتقال شش زندانی محکوم به اعدام در پرونده های مرتبط با جرائم مواد مخدر به سلول های انفرادی آغاز شد و تحرکی گسترده در اعتراض علیه اعدام در ایران و در سطح جهان به همراه داشت.

هم اکنون جنبشی قدرتمند علیه اعدام در ایران در جریان است. از تشکلهای و نهادهای مختلف کارگری و اجتماعی گرفته تا چهره های شناخته شده و فعالان اجتماعی، از هنرمندان تا فعالان کارگری و مدافعان حقوق زنان، با انتشار بیانیه های مستقل یا مشترک، بر لغو مجازات اعدام تأکید کرده و همبستگی خود را با اعتصاب

زندانیان قزلحصار اعلام کرده اند. در اصفهان نیز مردم برای نجات جان دو زندانی محکوم به اعدام به خیابان آمدند و نقطه عطف مهمی در این جنبش رقم خورد. این جنبش یک سرش در کف خیابان هاست؛ جایی که مردم برای نجات جان محکومان به اعدام به میدان می آیند و پژواک آن را می توان در شعارهای اعتراضی بازنشستگان و دیگر اعتراضات اجتماعی شنید. سر دیگر آن نیز در خارج از کشور و در قامت کارزارهای جهانی علیه اعدام و «پیمان نامه آوریل» (قرار دارد که با امضای ۱۲۰ تشکل و نهاد از داخل و خارج کشور همراه شده است).

اتحادیه اروپا و شماری از کشورهای اروپایی و غربی، از جمله کانادا، بریتانیا و استرالیا، در بیانیه ای مشترک ادامه اعدام معترضان و سرکوب کسانی را که برای عدالت و کرامت انسانی اعتراض کرده اند، به شدت محکوم کردند. آنها خواستار توقف فوری اعدام ها، آزادی بازداشت شدگان اعتراضات و پایان دادن به استفاده از مجازات اعدام برای ایجاد ترس و خاموش کردن مخالفان شدند.

وسیعاً به جنبش علیه اعدام پیوندیم، از اعتراض زندانیان سالن چهار بند دو زندان قزلحصار حمایت کنیم و اجازه ندهیم توطئه رژیم برای پراکنده کردن زندانیان معترض و خاموش کردن صدای اعتراضشان موفق شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ مرداد ۱۴۰۵، ۱۳ اوت ۲۰۲۶

حق ما کارگران، زحمت کشان و دیگر مردم تحت ستم برای تصمیم گیری درباره زندگی و سرنوشت خود؛

آزادی بیان، تشکل، اعتراض و اعتصاب و حق فعالیت اجتماعی و سیاسی بدون ترس از بازداشت و سرکوب؛ مخالفت با بازداشت و زندانی کردن انسان ها به دلیل بیان عقیده، اعتراض، فعالیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یا دفاع از حقوق خود و دیگران؛ مخالفت با هرگونه شکنجه، رفتار غیرانسانی و شرایط تحقیرآمیز در زندان ها؛ لغو مجازات اعدام و دفاع از حق حیات به عنوان یکی از بنیادی ترین حقوق هر انسان.

ما نمی خواهیم برای مطالبه حقوق خود با تهدید، بازداشت، زندان و اعدام روبه رو شویم. جامعه ای شایسته انسان هاست که در آن هیچ کس به دلیل اعتراض به بی عدالتی، نابرابری، دفاع از حقوق کارگران و زحمت کشان یا بیان عقیده خود، از آزادی و حق حیات محروم نشود.

ما تولید می کنیم، ما می سازیم، ما زندگی را می چرخانیم و ما نعمات جامعه را خلق می کنیم. پس حق ماست که بر سرنوشت خود حاکم باشیم. حق ماست که در برابر ستم و استثمار بایستیم. حق ماست که آزادانه اعتراض کنیم، تشکل داشته باشیم و از حقوق خود دفاع کنیم. حق ماست که زندگی شایسته انسانی داشته باشیم.

نه به «زندگی معمولی!» «آری به زندگی شایسته انسانی!»

نه به بازداشت و زندان برای عقیده و اعتراض! نه به اعدام!

آری به آزادی، برابری، رفاه، امنیت و کرامت انسانی برای همه!

#نان_کار_آزادی #شادی_رفاه_آبادی نابود_باد_استثمار_و_کار_مزدی

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

نه به، زندگی معمولی؛ آری به زندگی شایسته انسانی.

کسانی که ثروت های نجومی خود را بر کار و رنج ما کارگران بنا کرده اند و از تمام نعماتی که حاصل دسترنج کارگران است بهره مند می شوند، توسط رسانه ها و تحلیل گران قلم به مزد، با ژستی حق به جانب و با ادعای اینکه به فکر زندگی کارگران، زحمت کشان و فرودستان هستند، تلاش می کنند خواسته های ما را در یک عبارت خلاصه کنند: «کارگران یک زندگی معمولی می خواهند!»

اما این تصویرسازی، چیزی جز تحقیر خواسته های انسانی و برحق ما نیست. گویی ما شایسته بهترین ها نیستیم؛ گویی باید به اندکی ناچیز از آنچه خودمان تولید می کنیم قانع باشیم و حتی برای داشتن یک «زندگی معمولی» شکرگزار باشیم.

نه! ما زندگی معمولی نمی خواهیم؛ ما زندگی شایسته انسانی می خواهیم. ما خواهان زندگی ای سرشار از رفاه، آسایش، امنیت، آزادی، برابری و کرامت انسانی هستیم؛ زندگی ای که حاصل دسترنج خود ماست، اما سال ها توسط سرمایه داران و صاحبان قدرت به تاراج رفته است.

زندگی شایسته انسانی یعنی:

برخورداری همه انسان ها از امکانات مادی و معنوی شایسته یک زندگی انسانی؛ دسترسی آزاد، برابر و همگانی به امکانات و منابع موجود در جامعه؛ داشتن مسکن مناسب و امن برای همه؛ برخورداری از خدمات پزشکی و درمانی رایگان و همگانی؛ آموزش و تحصیل رایگان، حق آموزش و تحصیل به زبان مادری؛

پایان دادن به هر شکل از ستم ملی، جنسی و جنسیتی؛

برخورداری همگان از تأمین اجتماعی و خدمات رفاهی شایسته؛

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در محکومیت تشدید فشار بر فعالان صنفی معلمان



از آغاز حمله آمریکا و اسرائیل به ایران، همزمان با جنگ بیرونی، جنگی دیگر در داخل کشور شدت گرفته است: جنگ حاکمیت مستقر با جامعه و نیروهای مستقل مدنی.

افزایش آمار اعدام زندانیان سیاسی، صدور احکام سنگین قضایی، تشدید فشارهای امنیتی و گسترش فضای ارباب و ترس، تنها بخشی از نشانه‌های این جنگ یک‌طرفه علیه جامعه ایران است. در این میان، معلمان و فعالان صنفی نیز از این فضای سرکوب و تهدید بی‌نصیب نمانده‌اند.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، از اسفندماه سال گذشته تاکنون، بیش از ۶۰ معلم و فعال صنفی با احضار، بازداشت، صدور احکام قضایی، برخوردهای اداری، تبعید، اخراج و محرومیت‌های شغلی مواجه شده‌اند. این آمار تنها شامل مواردی است که رسانه‌ای شده‌اند و بدیهی است بسیاری از معلمان، به دلیل نگرانی از تشدید فشارها و پیامدهای امنیتی، امکان یا جسارت اطلاع‌رسانی درباره وضعیت خود را نداشته‌اند.

در همین مدت، ایرج توبه‌ای‌ها، معلم بازنشسته نجف‌آباد، پس از پایان محکومیت ناعادلانه خود، به تبعید محکوم شده است. برای کوکب بداعی، فعال صنفی معلمان خوزستان، حکم یک سال حبس صادر شده و شکرالله احمدی، بازرس شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران، در دادگاه بدوی به سه سال و هفت ماه زندان به دلیل فعالیت‌های صنفی محکوم شده است.

همچنین مجید کریمی و غیاث نعمتی، از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان، با وجود رأی هیأت عالی تخلفات اداری مبنی بر بازگشت به کار، بار دیگر از سوی وزارت آموزش و پرورش با حکم بازخرید و اخراج مواجه شده‌اند. این روند در مورد فروغ خسروی، از معلمان خوزستان، نیز با صدور حکم اخراج از آموزش و پرورش ادامه یافته است.

فشار بر فعالان صنفی حتی با ورود آنان به زندان نیز پایان نمی‌یابد. جوادلعل محمدی، معلم خراسان رضوی، که نزدیک به چهار سال است دوران حبس ناعادلانه خود را در زندان وکیل‌آباد مشهد می‌گذراند، با وجود بیش از ۲۳ سال سابقه تدریس، با حکم اخراج از آموزش و پرورش مواجه شده است.

مسعودفرهیخته، معلم بازنشسته کرج، که از شهریورماه در حبس به سر می‌برد، بنا بر گزارش خانواده‌اش بارها به سلول انفرادی منتقل شده و از تماس تلفنی و ملاقات محروم مانده است.

ابوالفضل خوران با وجود بیماری، بیش از سه سال است که در زندان اراک ناعادلانه در حبس است.

رضا امانی‌فر، دیگر بازرس شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران، نیز از فروردین‌ماه به‌صورت بلا تکلیف در زندان بوشهر در حبس است. او با وجود بیماری کلیوی از رسیدگی درمانی مناسب محروم مانده و در تنها مورد اعزام به خارج از زندان، در اقدامی غیرانسانی با دستبند و پابند به بیمارستان منتقل شده است. این موارد تنها بخشی از گزارشی کوتاه از روند فزاینده سرکوب معلمان و فعالان

صنفی از اسفندماه گذشته تاکنون است؛ روندی که نشان می‌دهد برخورد با معلمان مطالبه‌گر، نه امری موردی، بلکه بخشی از سیاستی گسترده برای خاموش کردن صدای تشکلات صنفی، عدالت‌خواهی و مطالبه‌گری صنفی است.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن محکوم کردن تشدید روند سرکوب، ارباب، پرونده‌سازی، صدور احکام قضایی و اداری و اعمال فشار بر فعالان صنفی، به حاکمیت هشدار می‌دهد که هیچ حکومتی در تاریخ معاصر نتوانسته است با تعمیق شکاف میان دولت و ملت، با سرکوب جامعه مدنی و با خاموش کردن صدای منتقدان و مطالبه‌گران، ثبات و مشروعیت پایدار برای خود ایجاد کند.

ما به عنوان یک تشکل صنفی و مدنی تأکید می‌کنیم که:

فعالیت صنفی جرم نیست. دفاع از معیشت و منزلت معلمان، اعتراض به تبعیض، مطالبه آموزش رایگان و باکیفیت، دفاع از حقوق دانش‌آموزان و تلاش برای حفظ و گسترش تشکلات مستقل، حقوقی بنیادین و مشروع‌اند و نباید با احکام زندان، اخراج، تبعید، بازخرید، انفصال و محرومیت‌های شغلی پاسخ داده شوند.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) خواهان:

توقف فوری سرکوب‌ها؛ لغو احکام قضایی و اداری صادرشده علیه فعالان صنفی؛ آزادی همه زندانیان سیاسی از جمله معلمان زندانی؛ پایان دادن به اذیت و آزار فعالان صنفی، به‌ویژه زندانیان بیمار و در معرض آسیب؛

به رسمیت شناختن حق تشکلات صنفی، آزادی بیان و اعتراض مسالمت‌آمیز معلمان است.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

۱۴۰۵/۵/۲۳

پیش بسوی اعتصابات سراسری!



کودکان و نوجوانان محکوم به اعدام، در معرض اعدام، و اعدام شده در ایران

از زمان خیزش دی ماه ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی ایران کودکان را به اعدام محکوم کرده است. شماری از آنان اعدام شده‌اند و جان شماری دیگر هم اکنون در خطر است.

ایران | دی ۱۴۰۴ - مرداد ۱۴۰۵

کودکان و نوجوانانی که نامشان در زیر آمده، در زمان بازداشت هجده سال یا کمتر داشته‌اند. آنان به سبب شرکت در اعتراضات بازداشت شده‌اند. حکومت علیه آنان اتهاماتی مطرح کرده است که مجازات مرگ در پی دارد - «محاربه» و «افساد فی الارض» - و در بسیاری از این پرونده‌ها، آنچه به عنوان دلیل ارائه می‌شود اعترافاتی است که زیر شکنجه گرفته شده و شماری از آنها از تلویزیون دولتی پخش شده است.

بند (الف) ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک و بند ۵ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر دو، مجازات اعدام را برای جرایم منتسب به افراد زیر هجده سال ممنوع کرده‌اند. هر دو سند، بدون هیچ استثنا، برای ایران الزام‌آورند.

محکوم به اعدام

- ۱- محمدحسین شکری، ۱۶، تهران
- ۲- شایان هادیان، ۱۷، اصفهان
- ۳- امیرحسین ورقامی، ۱۷، کرج
- ۴- ابوالفضل ابراهیمی، ۱۷، اصفهان
- ۵- عرفان امیری، ۱۷، پاکدشت - تهران
- ۶- منصور جعفری، ۱۷، اصفهان
- ۷- متین محمدی، ۱۷، پاکدشت - تهران
- ۸- کامیلیا نظری، ۱۷، شیراز
- ۹- دانیال نیازی، ۱۸، شیروان - خراسان شمالی
- ۱۰- احسان حسینی پور حصارلو، ۱۸، پاکدشت - تهران
- ۱۱- محمد امین رهبر، ۱۸، منجیل - رودبار، گیلان
- ۱۲- ملیکا عزیزی، ۱۸، ماسال - گیلان
- ۱۳- شروین باقریان، ۱۸، اصفهان
- ۱۴- نیلوفر اصفهانی، ۱۸، قزوین

در معرض حکم اعدام

- ۱- عماد حمیدی، ۱۵، اهواز
- ۲- دیانا طاهرآبادی، ۱۶، کرج
- ۳- عباس نیو (باجی زهی)، ۱۶ ساله، بلوچ، اهل زاهدان و ساکن آزادشهر استان گلستان
- ۴- ابوالفضل مرادی، ۱۶، اصفهان
- ۵- اهورا صفایی، ۱۶، گرگان
- ۶- علی عیوضی، ۱۶، اهواز
- ۷- علیرضا مصنوع، ۱۶، گرگان
- ۸- آرین موفقی، ۱۷، بروجرد
- ۹- عظیم محمدی، ۱۷، چابهار، بلوچستان
- ۱۰- برهان سامی کیا، ۱۷، تهران
- ۱۱- یاسین قاسمی، ۱۷، قهجاورستان - اصفهان
- ۱۲- مهدی نصیری، ۱۷، تهران
- ۱۳- محمد دیانتي، ۱۷، اصفهان
- ۱۴- سام برخونی، ۱۷، فولادشهر، اصفهان

در معرض حکم اعدام

- ۱۵- طاهای علی میرزایی، ۱۷، ساوه
- ۱۶- سمیه ناظری، زیر ۱۸ سال، کانون اصلاح و تربیت کرمانشاه
- ۱۷- محمد ضیغمی، ۱۸، تهران
- ۱۸- عرشیا افشار، ۱۸، اصفهان
- ۱۹- ریحانه کرمی مقدم، ۱۸، سیرجان
- ۲۰- ستایش ساعدی، ۱۸، اصفهان
- ۲۱- شادی موسوی رکاتی، ۱۸، اهواز
- ۲۲- ابوالفضل دوخت، ۱۸، رشت
- ۲۳- حبیب ادبی، ۱۸، گناباد
- ۲۴- میثاق رحمت‌زاده (خارکوهی)، ۱۸، زاهدان
- ۲۵- محمد افچنگی، ۱۸، رشت
- ۲۶- مرتضی زمانی، ۱۸، سمنان
- ۲۷- محمدجواد اسماعیلی، ۱۸، رستم آباد، گیلان

اعدام شده

- ۱- امیر نوراللهی، ۱۸، اسلامشهر، تهران - ۳ اسفند ۱۴۰۴ اعدام شد
- ۲- امیرحسین حاتمی، ۱۸، تهران - ۱۳ فروردین ۱۴۰۵ اعدام شد
- ۳- عرفان اسفندیاری، ۱۸، اصفهان - ۲۸ تیر ۱۴۰۵ اعدام شد

این فهرست توسط «مدافعان حق کودک در ایران» تهیه شده است و بر پایه اسناد «کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران» و «کارزار آزادی زندانیان سیاسی» گردآوری شده و سپس با اطلاعات منتشر شده توسط «خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (هرانا)»، «سازمان حقوق بشر ایران»، و وکلای مستقل و فعالان داخل کشور تطبیق داده شده است.

نام‌ها و سن افراد با استفاده از چند منبع مستقل راستی‌آزمایی شده‌اند. این اطلاعات تا ۱۶ مرداد ۱۴۰۵ به روز است و با توجه به تغییرات سریع در وضعیت پرونده‌ها، تعداد افراد و وضعیت حقوقی آنان ممکن است به سرعت تغییر کند.

شما هم می‌توانید اقدام کنید. از متن‌های آماده‌ی ما برای ارسال ایمیل به مسئولان سازمان ملل استفاده کنید و خواستار اقدام فوری برای توقف اعدام کودکان و نوجوانان در ایران شوید.

لینک در بایو



مدتی تعقیب توسط نیروهای امنیتی در ۱۶ بهمن ۱۴۰۴ در شهر لیکک بازداشت شد و به زندان یاسوج منتقل و به ۴۲ ماه حبس محکوم شده بود. دو تشکل شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و ارکان ثالث در نفت قبلا نیز طی اطلاعیه ای بر آزادی فوری و بدون قید و شرط وی تاکید کرده بودند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی و پیمانی نفت تداوم بازداشت یاسر احمدی نژاد و فشارهای امنیتی بر فعالین کارگری و خانواده هایشان را محکوم کرده و خواستار رفع هرگونه پیگرد قضایی و امنیتی نسبت به یاسر احمدی نژاد شده و آزادی بدون قید و شرط او و دیگر کارگران بازداشتی بخش های مختلف نفت را خواستار شده اند. این تشکلهای بر حفظ اتحاد و گسترش اعتراض تا رفع کامل فشارهای امنیتی بر فعالین کارگری تاکید کرده اند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) در کنار این دو تشکل کارگری در نفت بر آزادی فوری و بدون قید و شرط یاسر احمدی نژاد و دیگر کارگران بازداشتی در بخش های مختلف نفت تاکید میکند و تلاش میکند صدای اعتراض این کارگران در سطح جهان باشد.

کمپین از اتحادیه ها و سازمانهای کارگری و تمامی نهادهای انساندوست در سطح جهان انتظار دارد که حکومت اسلامی را بخاطر سرکوبگریهای جنایتکارانه اش و اعدامهای گسترده محکوم کنند و برای توقف بازداشت ها و اعدامهای وحشیانه و آزادی تمامی معترضین زندانی جمهوری اسلامی را زیر فشار قرار دهند. جمهوری اسلامی باید بخاطر تمام جنایاتش و ادامه جنگ افروزی هایش که جامعه را به مرز نابودی رسانده و امنیت کل منطقه را به خطر انداخته است. در سطح جهان بطور همه جانبه به انزوای کشیده شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی - ۲۱ مرداد ۱۴۰۵

<https://www.free-them-now.com> برگرفته از مدیای اجتماعی

یاسر احمدی نژاد دوباره بازداشت شد

طبق گزارشات منتشر شده از سوی دو نهاد شورای سازماندهی اعتراضات کارگران ارکان ثالث و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، مامورین امنیتی حکومت یاسر احمدی نژاد را که در مرخصی به سر میرسد دوباره بازداشت کرده و به زندان یاسوج انتقال داده اند.

یاسر احمدی نژاد کارگر و نماینده مستقل کارگران ملی حفاری در بیستم تیرماه سال جاری به قید وثیقه آزاد شده بود. دستگیری وی در حالی صورت گرفته است که یاسر به حکم صادره علیه وی اعتراض داشته و منتظر پاسخ بوده است.

علاوه بر وضعیت یاسر احمدی نژاد فشارهای امنیتی بر روی کارگران نفت شدید است. بر اساس همین گزارشات با طرح شکایت از سوی سخاوت اسدی مدیریت وقت منطقه ویژه پارس و غلامعباس حسینی مدیر عامل مجتمع گاز به مراجع قضایی تعدادی از فعالین کارگری به اتهام مشارکت در برگزاری بزرگترین اعتراض کارگری آذرماه گذشته در عسلویه بازداشت گردیدند که هرچند رسیدگی به پرونده آنان در روز مقرر، برابر با شروع جنگ به زمان دیگری موکول گشت، اما فشار مستقیم نهادهای امنیتی به این کارگران و خانواده هایشان در جریان است و انحلال اعلام نشده و غیر رسمی کانون انجمن های صنفی کارگران پالایشگاه های پارس جنوبی، تأییدی است بر اینکه پروژه تکراری سرکوب فعالین کارگری با سیاست تحمیل سکوت بر اعتراضات نفت کلید خورده است!

یاسر بخاطر پیگیری مطالبات همکاران بارها با مدیریت فاسد و پیمانکاران دزد و مفتخور نفت درگیر شده و دزدیهای مدیران ناظر پروژه با پیمانکاران را افشا کرده است. او در کارزار حقوقی احقاق حقوق ۳۰ هزار کارگر ارکان ثالث ملی حفاری نفت، شرکت کرده و پیگیری مطالبات کارگران برای دستیابی به حقوقشان شده است. به خاطر همین تلاشها او از کار اخراج شد. اما با اعتراض کارگران یک سال بعد به کار بازگشت و دوباره به خاطر اعتراضاتش اخراج شد و بعد از آن با گذراندن دوره دانشجویی به شغل وکالت اشتغال یافت. یاسر در جریان اعتراضات زن زندگی آزادی و بعد نیز در ۱۴۰۴ همراه مردم بود. طبق گزارشات در دیماه ۱۴۰۴ نیروهای امنیتی پدر یاسر را بازداشت و به گروگان گرفتند تا پسرش را بازداشت کنند و بالاخره بعد از

لغو مجازات اعدام در لبنان، درخشش بارقه امید

پیروزی #نه_به_اعدام در ایران

لغو مجازات اعدام در لبنان آغازی برای پایان مجازات قرون وسطایی اعدام در ایران و خاورمیانه می باشد.

صف عظیم متحدان علیه مجازات اعدام در ایران با خبر لغو مجازات اعدام در لبنان نیروی دوباره گرفت.

۳۲ کشور به همراه مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ادامه اعدام ها در ایران و استفاده از مجازات اعدام علیه معترضان را محکوم کرده و از جمهوری اسلامی خواسته است اجرای احکام اعدام را فوراً متوقف کند و خواهان آزادی معترضان زندانی شده اند. سازمان ملل نیز پیشتر نسبت به افزایش اعدام ها در ایران هشدار داده بود. واکنش جهانی به موج اعدام ها نتیجه همصدایی کارزارها و مبارزات متحد علیه اعدام بوده است.

موج گسترده مبارزات علیه اعدام در ایران با اعتصاب غذای زندانیان محکوم به اعدام زندان قزلحصار و توقف موقت اجرای احکام اعدام در این زندان نشان داد که برای لغو کامل مجازات اعدام باید هرچه وسیعتر در تمامی عرصه ها به میدان بیاییم و لغو مجازات اعدام را در همه صفوف مبارزاتی فریاد بزنیم!

بازنشستگان به عنوان پیشکسوتان جدال زندگی در پاسداشت حق حیات در برابر

احکام اعدام و قتل حکومتی در خیابانها، فریاد زدند. معلمان، کارگران، دانشجویان، هنرمندان و تشکلهای اجتماعی و مدنی برای لغو اعدام همصدایشان شدند.

"پیمان آوریل" نمونه ای از اتحاد در سطح جهانی برای حرمت بخشیدن به حق حیات و پایان بخشیدن به قتل حکومتی اعدام بود.

حاکمان اعدام در ایران که حیات خود را در استحکام چوبه های دار و کشتار یافته اند، علیه فریاد #نه_به_اعدام اعلام جرم کردند.

پاسخ جامعه زخم خورده از اعدام در ایران، نفیر خاموش نشدنی "نه به اعدام" است که مرزها را در نور دیده و به صدای جهانی بدل شده است.

صداهای زندانی زیر احکام اعدام به همراه خانواده هایشان دوشادوش خیل عظیم خانواده های دادخواه که در طی بیش از چهار دهه زخم جانکاه اعدام عزیزانشان را به دوش کشیده اند با مردمی که شناخت قتل عمد حکومتی را دیگر برنمی تابند، همه با هم یکصدا علیه اعدام ایستاده اند.

نهاد "اعدام نکنید" به همراه "دادخواهان" به همه کسانی که برای لغو مجازات اعدام مبارزه می کنند درود می فرستد و برای برافراشته شدن پرچم نه به اعدام در ایران همه نهادها، سازمانها و تشکلهای مدافع حقوق انسان را به اتحاد فرا می خواند.

به مجازات قرون وسطایی اعدام پایان دهید.

اعدام نکنید-دادخواهان- ۲۴ مرداد ۱۴۰۵